

تأثیر نوسانات بهای مواد اولیه بر درآمد کشورهای در حال توسعه

اشاره:

روند و نوسانات بهای مواد خام و کالاهای اولیه در بازارهای جهانی، اثرات عمیقی بر وضعیت اقتصادی کشورهای صادرکننده و واردکننده این کالاها دارند.

افزایش بهای مواد اولیه در بازارهای جهانی، اگرچه رشد درآمدهای ارزی کشورهای صادرکننده این مواد را به ارمغان می‌آورد، لیکن تأثیر منفی بر رشد قیمت محصولات ساخته شده می‌گذارد و به همین جهت در افزایش میزان تورم در کشورهای واردکننده دارد و این تورم با اندک فاصله زمانی از طریق افزایش بهای کالاهای وارداتی به کشور مبدأ صادرکننده ماده اولیه منتقل می‌شود.

دوران‌های بروز نوسانات شدید در بهای مواد خام و کالاهای اولیه و به عبارتی شوک‌های قیمت کالاها در اجرای برنامه‌های تثبیت اثر می‌گذارند. «پل کاشین» و «هولگ لوانگ» اقتصاددانان ارشد بخش تحقیقات صندوق بین‌المللی پول در خصوص مواد اولیه و «جهان مک‌دمرمدت» مشاور رزرو بانک نیوزیلند اخیراً گزارشی در خصوص شوک‌های بهای مواد اولیه و تأثیر آن بر برنامه‌های تثبیت تهیه کرده‌اند که در نشریه «فایننس اند دولوپمنت» منتشر شد. نظر به اهمیت این گزارش، اقدام به ترجمه و تلخیص این مطلب برای خوانندگان محترم نمودیم.

رساله جامع علوم انسانی

انتقال می‌یابد و در رشد سطح عمومی قیمت‌ها در این کشورها مؤثر است.

از بعد عرضه، باید گفت حدود نیمی از درآمد صادراتی کشورهای در حال توسعه از صدور مواد خام و کالاهای اولیه تأمین می‌شود و بسیاری از این کشورها بخش قابل توجهی از درآمد صادراتی‌شان از فروش یک یا دو کالا تأمین می‌شود. (جدول شماره ۱)

به منظور کاهش اثرات نوسانات قیمت بر روی قیمت کالاها در بازار داخلی و درآمدهای صادراتی، بسیاری از کشورهای صادرکننده مواد اولیه به

طرح‌های تثبیت قیمت‌ها کمتر خواهد شد.

حدود ۲۵ درصد (یک‌چهارم) ارزش مبادلات تجاری جهان را دادوستد کالاهای اولیه و مواد خام تشکیل می‌دهند. از این نظر روندهای تغییر قیمت این کالاها در کوتاه و درازمدت، نتایج قابل توجهی بر اقتصاد جهانی دارد.

از بعد تقاضا، روند قیمت کالاها و مواد خام در بازارهای جهانی، نقش مهمی در وضعیت اقتصادی کشورهای صنعتی دارد، زیرا نوسانات مربوط به دوران‌های تجاری به دیگر زمینه‌های اقتصادی نیز

این کارشناسان برجسته ابتدا این سؤال را طرح می‌کنند که آیا شوک‌های مربوط به بهای کالاها از نظر زمانی دوام زیادی دارند و تأثیر آنها بر اجرای طرح‌های تثبیت چه می‌باشد؟

این کارشناسان ابراز عقیده می‌کنند که نوسانات شدید (شوک‌های) وارده به قیمت کالاها در بازارهای جهانی می‌توانند همزمان تأثیر عمیقی بر کشورهای صادرکننده و واردکننده مواد خام و کالاهای اولیه بگذارند. هر اندازه که زمان از بین رفتن شوک قیمت طولانی‌تر شود، احتمال ماندگاری (زیست‌پذیری)

جدول ۱: کشورهایی که درآمد صادراتی آنها به صدور کالاهای اولیه و مواد خام بستگی دارد
(متوسط سالانه صادرات به دلار آمریکا در سال‌های ۹۷-۱۹۹۲)

منطقه / کالا	۱۰-۱۹ درصد درآمد صادراتی	۲۰-۲۹ درصد درآمد صادراتی	۳۰ درصد یا بیشتر درآمد صادراتی
خاور میانه نفت خام	مصر	سوریه، امارات متحده عربی	بحرین، ایران، عراق، کویت، لیبی، عمان، قطر، عربستان سعودی، یمن
آلومینیوم	بحرین	-	-
آفریقا نفت خام	الجزایر	کامرون، گینه استوایی	آنگولا، کنگو، گابن، نیجریه
گاز طبیعی	-	الجزایر	-
سنگ آهن	-	موریتانی	-
مس	جمهوری دموکراتیک کنگو	-	زامبیا
طلا	مالی، زیمبابوه	غنا، آفریقای جنوبی	-
چوب (الوار سخت آفریقایی)	جمهوری آفریقای مرکزی، گابن، غنا، سوازیلند	گینه استوایی	-
پنبه	بورکینافاسو	بنین، چاد، مالی، سودان	-
توباکو یا توتون	-	زیمبابوه	مالاوی
قهوه آفریقایی	-	رواندا	بروندی، اتیوپی
قهوه روبوستی	کامرون	-	اوگاندا
کاکائو	کامرون	ساحل عاج، غنا	سواتمه و پرنسپ
چای	کنیا، رواندا	-	-
شکر	سوازیلند	موریس	-
نیمکوه غربی نفت خام	کلمبیا، مکزیک	اکوادور، ترینیداد و توباگو	ونزوئلا
مس	پرو	شیلی	-

منطقه / کالا	درآمد صادراتی ۱۰-۲۰ درصد	درآمد صادراتی ۲۰-۳۰ درصد	درآمد صادراتی بیشتر از ۳۰ درصد
طلا	-	-	-
پنبه	-	-	-
قهوه عربیکا	-	-	-
شکر	گویان، سنت کیتس و نویس	بلیز	-
موز	هندوراس، سنت وینسنت	کاستاریکا، اکوادور، سنت لوسیا	-
غذای دریایی	-	-	-
برنج	-	-	-
اروپا، آسیا و حوزه اقیانوس آرام: نفت خام	آذربایجان، برونئی، نروژ، پاپوآ گینه نو	اندونزی، قزاقستان، ویتنام	-
گاز طبیعی	-	-	ترکمنستان
آلمینیوم	تاجیکستان	-	-
مس	مغولستان	قزاقستان، پاپوآ گینه نو	-
طلا	پاپوآ گینه نو	ازبکستان	-
چوب (الوار سخت آسیایی)	لانوس، جزایر سلیمان	کامبوج، اندونزی، میانمار، پاپوآ گینه نو	-
الوار نرم	-	لتونی، نیوزیلند	-
مغز و روغن نارگیل	-	-	کرباتی
پنبه	پاکستان، ازبکستان	آذربایجان، تاجیکستان، ترکمنستان	-

مأخذ: صندوق بین المللی پول

طرح‌های تثبیت متوسل شده‌اند. به‌طور کلی سیاست‌گزاران به هنگام بررسی سیاست‌های تثبیت، به برآوردهای موثقی از شوک‌های بزرگ و مستمر بهای کالاها نیاز دارند. اگرچه ابتکار عمل‌های سیاسی که درآمد و مصرف ملی را کاهش می‌دهند، در رویارویی با شوک‌های قیمتی در کوتاه‌مدت (زودگذر) مؤثر می‌باشند، ولی در شوک‌های بادوام به سیاست‌هایی احتیاج می‌باشد که کشورهای صادرکننده مواد خام مواجه با این شوک‌های قیمتی را قادر سازد که با توجه به سطح درآمدهای جدید و مصرف، مبادرت به تعدیل اقتصادی نمایند. این اقتصاددانان با استفاده از داده‌های قیمتی که از سوی صندوق بین‌المللی پول در دوره زمانی ۹۸-۱۹۵۷ برای ۴۴ کالای اولیه و مواد خام ارایه شده، به بررسی زمان معمول برای خنثی‌سازی اثرات شوک‌های قیمتی پرداخته‌اند و نتایج حاصل را برای درجه تأثیرگذاری طرح‌های تثبیت محاسبه و بررسی کرده‌اند.

شوکه‌ها چه مدت طول می‌کشند؟
شوکه‌های وارده به قیمت‌های واقعی کالاها به‌طور میانگین بادوام و ثابت هستند. شاخص‌های اسمی بهای کالاها موجب کاهش شاخص بهای کالاها ساخته شده صادراتی کشورهای توسعه یافته شده‌اند. گرچه مدت شوک‌های وارده به ۳۴ شاخص از ۴۴ شاخص قیمت که بررسی شده است، محدود بود، ولی بازگشت قیمت‌ها به حالت اولیه‌شان زمان به مراتب طولانی را گرفت. این اقتصاددانان اشاره کردند: در مقایسه با بررسی‌های اولیه، دریافتیم که شوک‌ها اگرچه محدود هستند، می‌توانند بسیار دیرپا باشند و ما را وادار کنند، در مورد تأثیر طرح‌های تثبیت تردید نماییم. در بررسی‌های اولیه ادعا شده است که به دلیل زمان محدود شوک‌ها، طرح‌های تثبیت کالاها می‌توانند حتی به صورت محدود در کاهش نوسانات درآمدهای صادراتی مؤثر واقع شوند. شوک‌های موردبحث به‌طور میانگین برای ۱۷ نوع کالا کمتر از ۵ سال طول کشیدند که ۷ مورد از آنها، شوکهایی با

عمر کمتر از یک سال بودند. شوک‌های وارده در مورد ۱۰ قلم از ۴۴ قلم کالا دایمی بودند. گرچه سیاست‌گزاران باید سطح قابلیت‌های اقتصاد ملی را برای نفوذ مدت معمول شوک‌ها بر روی تأثیر طرح‌های تثبیت قیمت‌های کالاها، اصلی کشورهای خودشان تعیین کنند، ولی ما به خاطر عرضه، به‌طور دلخواه «مدت زیاد شوک» را به عنوان راه میان‌بر انتخاب کرده‌ایم که وراي آن راه، هزینه‌های حفظ هر طرح تثبیت (که به نوعی با انبارسازی، تأمین مالی و کاهش تولید مربوط می‌شود) گران تمام می‌شود. ما ضمن استفاده از این پایه، مشاهده می‌کنیم که ۱۷ قلم کالا، شوک‌های قیمتی را تجربه کردند که گرچه محدود بودند، ولی بیش از ۶۰ ماه طول کشیدند. با توجه به ۱۷ کالای موردبحث و ۱۰ مورد کالایی که شوک‌های دایمی را تجربه کردند، می‌توان گفت هزینه‌های حفظ یک توافقنامه تثبیت بیش از سودهای مربوط به کاهش مصرف خواهد بود که می‌توانند از تثبیت قیمت‌ها مشتق شوند.

جدول شماره ۲: دوره شوک بهای مواد اولیه، ژانویه ۱۹۵۷ - دسامبر ۱۹۹۸

نام کالا (کمتر از ۱۲ ماه)	(۲۸-۱۲ ماه)	(۹۶-۴۸ ماه)	(۲۱۶-۹۶ ماه)	دائمی
موز (۲-۳)	آلومینیوم (۱۵-۰۰)	گوشت گوساله (۲۰-۰۰)	قهوه (۲۶-۰۰)	دانه کاکائو
سوخت (۴-۰۰)	غذای دریایی (۱۸-۰۰)	روغن نارگیل (۲۲-۰۰)	پنبه (۲۶-۰۰)	قهوه روبوستا
پوست خام (۷-۲۳)	بنزین (۸-۰۰)	مس (۲۳-۰۰)	نیکل (۲۶-۰۰)	طلا
الوار نرم اره نشده (۵-۱۱)	سنگ آهن (۱۵-۰۰)	روغن بادام زمینی (۲۰-۰۰)	شکر (بازار آزاد) (۲۵-۰۰)	الوار سخت اره نشده
الوار نرم اره شده (۴-۰۰)	گوشت بره (۹-۳۹)	سرب (۲۱-۰۰)	برنج	گاز طبیعی
شکر اتحادیه اروپا (۵-۱۰)	کانوچو (۱۸-۰۰)	جو دوسر (۲۰-۰۰)	نفت	
چای (۷-۲۱)	آردسویا (۱۴-۰۰)	روغن نخل (۲۱-۰۰)		الوار سخت اره شده
	دانه سویا (۱۵-۰۰)	سنگ فسفات (۱۹-۰۰)		قلع
	شکر آمریکا (۱۴-۰۰)	روغن سویا (۱۹-۰۰)		تنباکو
	گندم (۱۸-۰۰)	پشم خام (۲۲-۰۰)		تریپل سوپرفسفات
		پشم مرغوب (۲۰-۰۰)		
		روی (۲۴-۰۰)		

توجه: ارقام داخل پرانتز، دوره نوسان قیمت را نشان می‌دهد و ارقام بیرون پرانتز متوسط دوره نوسان قیمت.

همان‌طور که در جدول شماره ۲ مشاهده می‌شود، شوک‌های قیمتی مربوط به چای از ۷ تا ۲۱ ماه طول کشیده است، در حالی که شوک‌های مربوط به قیمت کائوچو ۱۸ ماه یا بیشتر طول کشید. در همین حال ۵ درصد شوک‌های قیمتی برای چای بیش از ۲۱ ماه طول کشید، در حالی که ۵ درصد یا بیشتر شوک‌های مربوط به کائوچو دائمی می‌باشند.

از این رو، احتمال شکست طرح تثبیت بهای چای کمتر از احتمال ناموفق بودن طرح تثبیت بهای کائوچو است.

با فرض بر این که حداکثر مدت پایداری هر طرح تثبیتی ۶۰ ماه است، می‌توان گفت که بهای فقط ۵ کالا مثل چای، شکر (اتحادیه اروپا)، موز، پوست خام و گوشت بره ۹۵ درصد شوک‌های قیمتی است که کمتر از حد پایداری بر روی آنها اثر داشته است.

این بررسی نشان می‌دهد که اگر طرح‌های تثبیت برای کالاهایی که دارای نوسانات دائمی قیمت نیستند، مؤثر واقع نشوند، مخاطره افزایش می‌یابد و می‌تواند به نوسانات پایدار تبدیل شود و احتمالاً زیان‌های مالی گسترده‌ای برای کشورهای صادرکننده این مواد به بار می‌آورد.

مفاهیم طرح‌های تثبیت

حساسیت کوتاه‌مدت و تحرکات روند درازمدت در بهای کالا، چالش‌های جدی را برای بسیاری از کشورهای رو به

توسعه به وجود می‌آورند که دلیل آن تأثیر زیاد آنها بر تراز پرداخت‌ها و بودجه دولت است.

از بعد داخلی، دولت‌ها برای رویارویی با نوسان بهای مواد اولیه احتمالاً ترتیبات بنیادی مانند هیأت‌های بازاریابی محصولات کشاورزی و یا انبارهای نگاهداری کالاهای مهم برای کنترل عرضه آنها را ایجاد می‌کنند و به این ترتیب امکان (پتانسیل) نوسانات قیمت را کاهش می‌دهند. در سطح بین‌المللی، نیز از توافقنامه‌های مربوط به کالاها و وجوه صندوق‌های جبرانی از سازمان‌هایی همچون صندوق بین‌المللی پول برای به حداقل رساندن و روان کردن اثرات شوک‌های جهانی بهای کالاها، استفاده می‌شود.

تثبیت بهای مواد اولیه در بعد داخلی

دولت‌ها در کشورهای رو به توسعه به‌طور سنتی، نقش مهمی را در کاهش اثرات نوسانات قیمت‌های جهانی کالا بر اقتصاد داخلی پذیرفته‌اند. آنها این نقش را با خرید سهام کالاهای مهم معروف به «سهام حائل» (Buffer Stock) در زمانی که قیمت‌ها پایین هستند، ایفا می‌کنند و زمانی که قیمت‌ها بالا می‌روند، آنها دست به فروش آن کالاها می‌زنند.

به غیر از این مسأله که آیا دولت‌ها در اداره شوک‌های قیمت‌های کالاها بهتر از مؤسسات خصوصی عمل می‌کنند یا خیر، باید گفت موفقیت مداخله در بازار منوط به آن است که شوک بهای کالاها موقتی باشد و در کوتاه‌مدت تغییر یابد.

بسیاری از طرح‌های ملی تثبیت کالا، در خلال دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ به دلیل

آنکه از نظر مالی وضع ناپایداری داشتند، منسوخ شدند. این طرح‌ها حتی در رابطه با کشورهای بودند که قدرت نفوذ بر قیمت جهانی را داشتند. از هم‌پاشی طرح تثبیت پشم استرالیا در سال ۱۹۹۲ نمونه برجسته‌ای از این قضیه است.

این پیامد با یافته‌های ما در مورد پشم سازگار است. پشم مرغوب و غیر مرغوب هر دو به نوعی، شوک‌های دیرپای قیمت را تجربه می‌کنند. از این رو هیچ‌کدامشان پذیرای یک طرح تثبیت قیمت نیستند.

تثبیت قیمت از بعد بین‌المللی

بسیاری از توافقنامه‌های بین‌المللی که به نوعی از سهام حائل یا سهمیه صادراتی به عنوان ابزار مداخله در بازار برای تثبیت قیمت و ثبات درآمدهای صادرکنندگان مواد خام و کالاهای اولیه استفاده می‌کردند، در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ شکست خوردند و عملی نشدند، زیرا با نوسان هزینه نگاهداری کالاها مواجه شدند.

توافقنامه‌هایی که نسخ شدند، عبارتند از: توافقنامه بین‌المللی شکر، (که اجرای آن در سال ۱۹۵۴ آغاز و در سال ۱۹۸۴ با انقضای سهمیه صادراتی، منقضی شد)، توافقنامه بین‌المللی قلع (در ۱۹۵۴ آغاز و در سال ۱۹۸۵ به هنگام تهی شدن منابع طرح سهام حائل سقوط کرد)، توافقنامه بین‌المللی کاکائو (در ۱۹۷۲ آغاز و در سال ۱۹۸۸ به هنگامی که طرح سهام حائل دیگر نتوانست تأمین مالی شود، به حال تعلیق درآمد) و توافقنامه بین‌المللی قهوه (در ۱۹۶۲ آغاز و در سال ۱۹۸۹ پس از آنکه سهمیه‌های صادراتی منقضی شدند، به حال تعلیق درآمد).

فقط توافقنامه کائوچوی طبیعی همچنان فعال بود، گرچه که نقش آن

به طور فزاینده‌ای مورد تردید و سؤال کشورهای است که از تولیدکنندگان عمده کائوچو هستند. این امر تصادفی نیست که طرح‌های ناموفق بین‌المللی تثبیت در رابطه با کالاها می‌باشند که با شوک‌های دیرپا (مانند قلع، کائوچو، قهوه و شکر) مواجه می‌شوند. این در حالی است که توافقنامه‌ای که باقی مانده در رابطه با کالای کائوچو است که شوک‌های کوتاه‌مدتی را تجربه کرده است.

صندوق‌های جبرانی

نمونه مهمی از صندوق جبرانی پیمان CCFF (تسهیلات سرمایه‌گذاری جبرانی و احتمالی) مربوط به صندوق بین‌المللی پول است. هدف از ایجاد این صندوق «تسهیلات سرمایه‌گذاری جبرانی و احتمالی» کاهش اثرات موقت و برونی نوسان قیمت است که موجب کاهش دریافتی‌های صادرات کالای یک کشور در یک روند میان‌مدت شده است. این تسهیلات (Facility) به طور سنتی راهی برای استقراض از صندوق بین‌المللی پول شده است. میانگین استقراض‌های سالانه به موجب «تسهیلات سرمایه‌گذاری جبرانی و احتمالی» CCFF کمتر از $\frac{1}{5}$ (۱۷/۵ درصد) کل اعتبار داده شده از سوی صندوق بین‌المللی پول در خلال سال‌های ۱۹۶۳ تا ۱۹۹۸ بوده است.

پس از یک وقفه، در اواخر دهه ۱۹۹۰ بار دیگر تجدید فعالیت وام‌دهی از سوی صندوق بین‌المللی پول در قالب تسهیلات مذکور پدیدار شد و این وام عمدتاً به کشورهای پرداخت شد که شوک‌های بد عرضه بر روی صادرات کالاها مهم را تجربه کرده‌اند. به طور مثال پاکستان و آذربایجان، هر دو وجوهی

را از صندوق تسهیلات سرمایه‌گذاری جبرانی و احتمالی (CCFF) در دسامبر ۱۹۹۸ و ژانویه ۱۹۹۹ دریافت کرده‌اند. دو کشور مذکور به دلیل کاهش موقت درآمدهای حاصله از صادرات پنبه از این تسهیلات استفاده کردند. کاهش درآمدهای این کشورها به دلیل برداشت نامساعد پنبه ناشی از بدی آب و هوا بود. در حالی که شوک‌های بر مبنای عرضه بر درآمدهای صادراتی آثار موقتی دارند، ولی یافته‌های تجربی نشان می‌دهند که وضعیت یا حالت تأمین سرمایه‌گذاری جبرانی برای هر گونه کاهش درآمدهای صادرات پنبه ناشی از شوک مخالف بر بهای پنبه (عرضه تعیین شده) ضعیف‌تر خواهد بود.

مادامی که شوک‌های بهای پنبه محدود باشد، آنها از نوع نوسانات دیرپا می‌باشند (مدت متوسط ۱۵۲ ماه است) و دامنه مربوط نامحدود است. پنبه، به ترتیب مقتضی (مانند بسیاری از کالاها دیگر بررسی شده)، اما به ظاهر شوک‌های موقت بر اساس قیمت‌ها را تجربه نمی‌کند.

□ خاتمه

در حالی که افت و خیزهای کوتاه‌مدت (کم‌دوام) به طور معمول در بازارهای جهانی کالا رخ می‌دهند، ولی شوک‌های قیمت بسیاری از کالاها اولیه از نوع پر دوام هستند.

از این رو به یک شوک نامطلوب قیمت بر روی هر کالایی احتمالاً قیمت‌ها را برای مدتی طولانی کاهش می‌دهد. در چنین شرایطی، فعالیت‌های تثبیت قیمت‌ها که با حمایت دولت انجام می‌شود و سرمایه‌گذاری جبرانی احتمالاً غیرمؤثر هستند و حتی استقراض خارجی برای تحمل عواقب کاهش درآمد

صادراتی چندان مؤثر نخواهد بود. حتی زمانی که شوک‌های وارده بر قیمت‌های کالاها به نسبت کوتاه‌مدت باشند، در آن صورت این احتمال که فواید ناشی از کاهش بهای داخلی (با توجه به بهای جهانی کالاها) فراتر از هزینه‌های طرح‌های عملیاتی نیست یا بازپرداخت اصل و فرع بدهی‌ها باشد، وجود دارد و لذا تأثیرگذاری این طرح‌ها همچنان زیر سؤال باقی خواهند ماند.

طرح‌های تثبیت

بسیاری از کشورهای روبه توسعه اتکای خود را به تأمین مالی داخلی و خارجی در رویارویی با نوسانات در قیمت جهانی برای صادرات کالاهاشان محدود ساخته‌اند، از این رو آنها تمرکز خود را بر تلاش‌هایشان جهت روان کردن درآمدهای صادرات کالای خود گذاشته‌اند و این کار را از طریق یک مورد یا بیشتر از عملیات ذیل انجام دادند.

- تثبیت بهای کالاها جهانی از طریق به‌کارگیری قدرت بازار توسط یک تولیدکننده انحصارطلب یا کارتل تولیدی یا از طریق توافقنامه‌های بین‌المللی کالا.

- تثبیت درآمدهای تولیدکنندگان از طریق استفاده از ابزارهای مدیریت مخاطره (ریسک).

- تثبیت درآمدهای دولتی از طریق وجوه سپرده‌های احتیاطی.

- تأمین تاوان‌ها.

- تثبیت بهای مربوط به تولیدکننده و مصرف‌کننده داخلی از طریق مالیات‌ها و تعرفه‌های متغیر صادراتی، هیأت‌های بازاریابی محصولات کشاورزی یا ذخایر داخلی و صندوق‌های تثبیت قیمت‌ها.

